

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله خانوادہ مسلمان ۱۱



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين، والعاقبة للمتقين،
ولا عدوان الا على الظالمين، والصلاه والسلام
على محمد الذي ارسله ربه رحمه للعالمين و
على آله و صحبه اجمعين.

زنان و مردان مسلمان پرچم دار خیرخواهی و
اصلاح طلبی اند و با همه مظاهر شرارت و مفساد مقابله
می نمایند و ناصحانی امانتدار و راهنماییانی به سوی
سربلندی دنیا و سعادت مندی آخرت می باشند و پیشگامان
و خیرخواهان هیچ گاه با خانواده و مردم خود دروغ
نمی گویند. ستم و ناروا را بر آنان روا نمی شمارند و به
مظاهر انحراف و ناهنجاری های گوناگون در میان مردم
روی خوش نشان نمی دهند. و آنها را به یکتاپرستی و
پرهیز از عبودیت و استعانت غیر خداوند فرا می خوانند و
آنان را به عمل به قرآن و ایمان به پیامبران کتاب های
آسمانی و دنیای پس از مرگ به ویژه به ایمان به حضرت
محمد صلی الله علیه وسلم ترغیب می کنند.
پس از آن که به درستی و آگاهانه بودن ایمان شان آگاهی
یافتند: آنها را به عبادت و اطاعت خداوند تنهای بی همتا و
اعتدال در دینداری و فضایل اخلاقی دعوت می کنند و
هم چنین آنان را از اخلاق و رذایل برحذر می دارند.
هم چنین انسان مسلمان مسئول است همه تلاش خود را
برای ایجاد وحدت و بر خورداری از قوت ایمانی، عملی،
علمی، دانش، تمدن، صنعت، فن آوری و رقابت با
تمدن های پیشرفته در همه عرصه ها و حتی پیشی گرفتن
از آنها، به کار گیرد؛ زیرا خداوند متعال فرموده اند: ﴿إِنَّ

هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿٩٢﴾
(الانبیاء / ۹۲)

«امت یکپارچه شما این است (و وحدت و یکپارچگی
اساس عزت شماست) و من پروردگار شما هستم و تنها
از من اطاعت کنید».

هم چنین می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ
لَا يَعْلَمُونَ﴾ (المنافقون / ۸)

«عزت و سربلندی از آن خداوند، پیامبر او و مؤمنین است،
اما این چند چهره ها و منافقین هستند که نمی دانند».

و فرموده است: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا
تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران / ۱۰۳)

«همگی به ریسمان (ناگستنی دین) خداوند متوسل
شوید و دسته دسته نگردید».

و فرموده است:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ
وَالْعُدْوَانِ﴾ (المائدة / ۲)

«براساس نیکی و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید و
از همکاری در جهت گناه و دشمنی با یکدیگر پرهیز
نمایید».

می‌بینیم که از نظر اسلام تعاون و همکاری میان افراد و خانواده و میان خانواده و همسایگان و تمامی افراد جامعه لازم و ضروری است.

هم‌چنین رسول خدا صلی الله علیه وسلم بر روی اصل تعاون و همکاری در چهارچوب مصالح عمومی امت اسلامی تأکید نموده و می‌فرماید:

«مؤمنین در ارتباط با محبت، دوستی و احساس مسئولیت متقابل همانند جسم واحدی هستند که هرگاه عضوی از اعضای آن دچار دردی بشود، سایر اعضا به خاطر آن دچار تب و بی‌خوابی می‌شوند».

هم‌چنین فرموده‌اند:

«مؤمن برای مؤمن دیگر هم‌چون ساختمانی است که هر قسمتی از آن قسمت دیگر را محکم نگاه می‌دارد».

مسئولیت انسان مسلمان در مقابل جامعه اسلامی مسئولیت‌های فراوانی است که برخی از آنها عبارتند از:

۱- اهتمام به مصالح و مسائل درجه اول

از آن‌جا که فرد مسلمان جزئی جدائی‌ناپذیر از ساختار امت و جامعه اسلامی است، از شادی و غم آن شادمان و اندوهگین می‌شود، و در امیدها و اهداف و تلاش‌هایش خود را با آنان هماهنگ می‌نماید و همه تلاش خود را برای پاسداری جامعه و امت اسلامی از مخاطر و مشکلات و فرو افتادن در باطل‌های ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها به کار می‌گیرد و از طرف دیگر همه توان و استعداد ذهنی و عملی خود را در راستای پیشرفت صنعتی، تجاری، کشاورزی، فنی، علمی، ایمانی، اخلاقی، پرورشی

و برخورداری از وسایل پیشرفته تبلیغی و دستیابی به تمدن برتر مورد استفاده قرار می‌دهد.

از این احساس مسئولیت مشترک در مقابل جامعه و سرنوشت آن، قرآن با تعبیر «ولایت» و «مناصره» یاد نموده و می‌فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (التوبه / ۷۱)

«مردان و زنان مؤمن دوست و یاور یکدیگرند. همدیگر را به کار نیک فرا می‌خوانند و از کار بد باز می‌دارند و نماز را آن‌گونه باید برگزار می‌کنند و زکات اموال خود را می‌پردازند و از خداوند و پیامبرش فرمانبرداری می‌نمایند. اینان کسانی‌اند که خداوند آنها را مشمول رحمت خود قرار می‌دهد (زیرا که) خداوند به راستی تواناست و کارهایش به جا و به موقع است».

پاسداری از مصالح و منافع امت اسلامی و پیشگیری از اخطار و هوشیاری در مقابل توطئه‌های دشمنان خارجی و جاسوسان داخلی آنان فریضه و واجبی دینی است که ثمرات آن نصیب فرد و جامعه خواهد گردید. کسی که ارتباطش را با امت و ملت خویش قطع می‌کند و به اموری که منافع آنها را تأمین می‌نماید یا مسائلی که موجب ضرر و زیان خواهد گردید توجهی نشان دهد

انسانی بی‌احساس و غیرمسئول است و نمی‌توان او را بخشی از امت خویش به حساب آورد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم در مورد مسئولیت انسان در مقابل دیگران می‌فرماید: «هرکس که به امور مسلمانان توجه و اهتمامی نداشته باشد از آنان به شمار نمی‌آید و هرکس که در

راستای رضایت خداوند و براساس سنت رسول خدا صلی الله علیه وسلم و به وسیله کتاب خداوند به اندرز و نصیحت حکام و مردم مسلمان قیام ننماید، جزو آنها به حساب نمی‌آید یعنی اگر انسانی با چشم دلسوزی و احساس مسئولیت به امور مسلمانان نگاه نکند و در جهت رفع نیازها و حل مشکلات مردم و کاستن از بار

رنج‌هایشان تلاشی ننماید انسانی است که ایمان و اسلام او دارای ضعف و کمبود است و نمی‌توان او را وابسته و دلبسته مسلمانان به شمار آورد. و در نتیجه به خاطر

سنگدلی و بی‌بهره بودن از شفقت و مهربانی از رحمت و نعمت خداوند خود را محروم می‌گرداند. برای انسان مسلمان همین کافی نیست که نسبت به مصالح و منافع امت اسلامی بی‌تفاوت باشد و ضرر و زیانی را به دیگران وارد ننماید، و علیه منافع و وسایل آنها توطئه‌چینی نکند، بلکه باید دارای نقشی مثبت و سازنده بوده و در حد توان در جهت اصلاح امور دیگران تلاش و جدیت بنماید؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده است: «دین (همه‌اش) نصیحت و خیرخواهی است. گفته شد: چگونه؟ فرمود: نصیحت به خاطر خداوند و براساس سنت رسول او و نصیحت پیشوایان مسلمان و عامه مردم» (مسلم)

یعنی ستون و ساختار دین نصیحت و خیرخواهی است. و نصیحت برای خدا به معنی دارا بودن ایمان و دوری از شرک، ترک کفر، الحاد و توصیف خداوند براساس صفات کمال، عظمت و نفی همه کمبودها و نقصانی‌ها از او و عبادت صادقانه و مخلصانه و پرهیز از گناه و نافرمانی اوست.

نصیحت به وسیله کتاب خداوند بدین معناست که به همه کتاب‌های آسمانی نازل شده بر همه پیامبران که آخرین آنها قرآن است ایمان داشته باشیم. قرآنی که بری از شک و تردید و تحریف است و به رهنمودها و احکام و تلاوت و تدبیر در آیات و معانی آنها عمل بشود.

نصیحت براساس سنت رسول خدا صلی الله علیه وسلم بدین معناست که: رسالت او را تصدیق نماییم و به همه آیاتی که بر او نازل شد ایمان بیاوریم و آنها را در زندگی خویش به کار بگیریم و رسول خدا صلی الله علیه وسلم را از اعماق قلب دوست بداریم و محبتش را وسیله‌ای برای پیروی و اطاعت قرار بدهیم؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ (آل عمران / ۳۱)

«ای پیامبر به آنها) بگو: اگر (درست می‌گویید) خداوند را دوست دارید، بباید از من پیروی کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد».

و نصیحت پیشوایان مسلمان بدین معناست که: آنها را در جهت پیروی از حقیقت، اقامه عدالت و پیروی از آنها در

امور مشروع و نصیحت آرام و حکیمانه برای به واقعیت درآوردن احکام دین خداوند و احیای روح تعالیم و رهنمودهای قرآن و سنت در جامعه، آنها را یاری نماییم. نصیحت عامه مسلمانان هم بدین معناست که: آنها را برای آگاهی و عمل مسئولیت‌های دینی، اجتماعی و تلاش برای تحقق مصالح و منافع دنیوی و اخروی اندرز و نصیحت بنماییم.

۲- دعوت به توحید و تطبیق شریعت

در اسلام پدیده‌ای به نام روحانیون که آنان تنها کار تبلیغ دین را برعهده داشته باشند، وجود ندارد بلکه یک‌یک مسلمانان اعم از مرد و زن در خانواده، مدرسه و در همه عرصه‌های جامعه موظف هستند که با کردار و گفتار خویش دیگران را به توحید، یکتاپرستی و معرفت نام‌های خداوند و دوری از شرک، کفر و عمل به دین و شریعت خداوند دعوت بنمایند؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (النحل / ۱۲۵)

«با بهره‌گیری از حکمت (و کردار و گفتار سنجیده و به‌جا و به موقع) و سخنان خوب و پسندیده دیگران را به (رهروی در) راه پروردگارت فرا بخوان و با روشی هرچه بهتر با آنان گفتگو کن».

هم‌چنین رسول خدا صلی الله علیه وسلم همه اهل ایمان را به ضرورت التزام و پیروی مداوم از کتاب و سنت یادآوری نموده و فرموده‌اند:

«من پس از خود دو چیز گرانقدر را در میان شما ترک می‌کنم که اگر به آنان متوسل شوید گمراه نخواهید شد، کتاب خداوند و سنت پیامبر او، این دو تا رسیدن به سر حوض در بهشت از هم جدا نخواهند شد».(حاکم)

۳- دعوت به دادگری و آزادی و شوری

رسالت و دعوت اسلام رسالتی استوار و ریشه‌دار است که انسان‌ها را به اقامه حق و حقیقت و مقاومت در مقابل باطل در همه عرصه‌ها به ویژه عرصه اعمال، عقاید و قضاوت فرا می‌خواند و آنان را به برافراشتن کاخ عدالت و رویارویی با همه مظاهر ستم، نابرابری و تلاش برای گسترش آزادی مشروع، معقول و سازنده در عرصه‌های اندیشه، اظهارنظر و انتقاد فرا می‌خواند. و آنها را از اسارت و بردگی اشخاص و اشیاء نجات داده و زیر چتر فرمانبرداری از خداوند گرد می‌آورد و همه تلاش خود را برای گسترش مساوات در مورد حقوق و مسئولیت‌ها به کار می‌گیرد و هیچ نژاد و ملت و قبیله‌ای را اعم از عرب، عجم، کُرد، ترک، فارس و ... بر گروهی دیگر - جز براساس پرهیزکاری و نیکوکاری - برتری نمی‌بخشد. هم‌چنین اسلام انسان‌ها را به امر مهم و حیاتی «شورا» و مشورت در همه امور فردی و اجتماعی دعوت می‌نماید و آنها را به رویارویی با مظاهر استبداد و خودکامگی و حکومت فردی فرا می‌خواند؛ زیرا خداوند متعال پیامبرش را به شور و مشورت دستور فرموده و به امت او آموزش داده است که:

﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ (آل عمران / ۱۵۹)

«با آنها (در مورد همه امور) مشورت کن».

و خداوند متعال یکی از اوصاف اهل ایمان را مشاورت در همه امور بیان فرموده است:

﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ (الشوری / ۳۸)

«امور آنها از طریق مشورت صورت می گیرد».

۴- دعوت به خیر و فضیلت

انسان مسلمان فراخوان به خیر و فضیلت است و امر به معروف و نهی از منکر می نماید و از شر و فساد و ناهنجاری روی گردان است و برای گسترش ارزش های اخلاقی، پرهیزکاری، زیبا و سالم سازی فضای زندگی مادی و اجتماعی از هیچ تلاشی کوتاهی نمی نماید و در این مورد تردیدی وجود ندارد که هم فرد، هم خانواده و هم جامعه هر کدام در محدوده توانایی خود بار این مسئولیت را بر دوش می گیرند. خداوند متعال می فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران / ۱۰۴)

«باید از میان شما گروهی باشند که (تربیت و آموزش لازم را ببینند و مردم را) به نیکی دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان می باشند که خود رستگاران».

آنان به خاطر این که دیگران را به خیر و نیکی در راستای رضایت خداوند دعوت می نمایند در زندگی دنیا و در

حیات آخرت رستگاران؛ زیرا اجر و ثواب زیادی را فراهم نموده و از بدی و ناروایی پرهیز کرده اند. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (فصلت / ۳۳)

«گفتار چه کسی بهتر از گفتار آنی است (که مردم را به سوی خدا) فرا می خواند و کاری شایسته انجام می دهد و اعلام می دارد که از زمره مسلمانان هستم».

خداوند متعال به خاطر این ویژگی امر به نیکی و خیرخواهی، نهی از بدی و نارواست که امت اسلامی را بهترین امت ها نامیده است؛ زیرا برای اصلاح و پیشرفت امور زندگی تلاش می نمایند و شایستگی برخورداری از آن ویژگی را پیدا کرده اند. در واقع انسان مسلمان مدام در اندیشه عمل به معروف و تشویق دیگران برای عمل به خیر و معروف است و معروف، کردار و گفتاری است که مورد پسند شریعت اسلام و عقل سالم و علوم قطعی و مفید باشد و از منکر پرهیز می نماید و دیگران را به پرهیز از آن فرا می خواند و منکر آن است که شریعت اسلام، عقل سالم و دانش یقینی، آن را بد و ناروا بشمارند.

خداوند متعال فرموده اند: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران / ۱۱۰)

«شما (ای پیروان اسلام) بهترین امتی هستید که به سود انسان ها ظهور کرده اید. (مادامی که) امر به معروف و نهی از منکر می نمایید و به خداوند ایمان دارید».

همه اهل ایمان در جهت گسترش رسالت سعادت بخش و دعوت به خیر و نیکی و دوری از شقاوت، بدی و منکر در هر زمان و مکانی خود را مسئول می دانند و در حد توان از قیام به این مسئولیت دریغ نمی ورزند؛ زیرا همه مسلمانان در هر کجای کره زمین که هستند خود را خانواده واحدی به شمار می آورند و هر یک به خوبی می دانند که اگر آنان اصلاح شوند، خانواده ها و جامعه اصلاح می شود و اگر راه فساد و تباهی را در پیش گیرند به زیان خانواده ها و جامعه ها نیز تمام خواهد شد و در نتیجه باید با همه مظاهر تباهی و منکر فردی، خانوادگی و اجتماعی در اسرع وقت ممکن مقابله بشود؛ تا ضرر و زیان و ناهنجاری دامن گیر هم نشود و به این رهنمود خداوند در مورد ضرورت مصونیت جامعه عمل شده باشد که:

﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً ۖ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (الأنفال / ۲۵)

«از فتنه و (فسادی) که تنها دامن گیر ستمکاران نمی شود، (بلکه آنها و سکوت کنندگان را هم فرا می گیرد) پرهیز کنید، به راستی خداوند سخت مجازات می نماید».

آنهايي که در مقابل گسترش فساد و تباهی بی تفاوت و یا به آن راضی می باشند، در معرض مشکلات و گرفتاری دنیوی ناشی از فساد و عذاب اخروی ناشی از بی تفاوتی یا رضایت خود قرار می گیرند؛ زیرا خداوند مردم بنی اسرائیل را به خاطر عصیان و نافرمانی و راضی بودن به فساد و تباهی و بی تفاوتی برای تغییر خلاف کاری و

منکرات مورد لعن و نفرین قرار داده و در مورد عواقب رفتار و سلوک آنها می‌فرماید: ﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٧٨﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧٩﴾﴾ (المائدة / ۷۸-۷۹)

«کافران بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی پسر مریم مورد لعن و نفرین قرار گرفته‌اند. این بدان سبب بود که آنان پیوسته (از فرمان خدا) سرکشی می‌کردند و (در ظلم و فساد) از حد و مرز می‌گذشتند * آنها از اعمال زشتی که انجام می‌دادند دست‌بردار نبودند و همدیگر را از زشت‌کاری‌ها نهی نمی‌کردند و نصیحت نمی‌نمودند، چه کار بدی را انجام می‌دادند.»

و سنت رسول خدا صلی الله علیه وسلم این هشدار به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر مورد تأکید قرار داده و رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «سوگند به کسی که جان من در دست اوست، اگر امر به معروف و نهی از منکر ننمایید، خداوند دیر یا زود عذابی را از نزد خود بر شما نازل می‌نماید و پس از آن هرچه دعا کنید، مورد قبول قرار نمی‌گیرد.» (ترمذی)

تعاون و همکاری میان افراد، گروه‌ها و حکومت‌ها برای رویارویی با خلاف‌کاری‌ها و منکرات یکی از اصول اساسی اسلام است و در قالب مثالی این همکاری و

مسئولیت مشترک را تصویر نموده و می‌فرماید: «کسانی که در زمینه اجرا و اقامه حدود خداوند عمل می‌کنند و آنها که می‌خواهند آن حدود را زیرپا بگذارند، مانند مردمی هستند که برای سوار شدن به یک کشتی هجوم بیاورند و برخی از طبقه بالا و برخی در قسمت پایین قرار بگیرند. آنهایی که در پایین قرار دارند اگر بدون توجه به آنهایی که در قسمت فوقانی هستند، بخواهند برای گرفتن آب از دریا سوراخی را در کشتی ایجاد کنند و آنهایی که در طبقه بالا قرار دارند مانع از این کار آنها نشوند کشتی غرق شده و همه نابود می‌شوند. اما اگر جلو آنها را بگیرند و مانع از این کارشان بشوند، هم خود و هم آنها نجات خواهند یافت.» (بخاری)

خوشا به سعادت دعوتگر و مبلغی که با سخنان زیبا و سنجیده خود دیگران را به خیر و نیکی فرا می‌خواند،

کلماتی و سخنانی که قرآن راجع به آن می‌فرماید: ﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ يَنْبَغِي لِلنَّاسِ وَمَن يَعْلَمِ ذَلِكَ ابْتَغَاءً مَّرَضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١١٤﴾﴾ (النساء / ۱۱۴)

«در بسیاری از نجواها و حرف‌های در گوشی آنها خیر و فایده‌ای وجود ندارد. مگر آن‌که در آن سخنان خود به صدقه، احسان، نیکوکاری و یا اصلاح میان مردم سفارش کنند و دستور بدهند. هرکسی چنین کاری را به خاطر خداوند انجام بدهد، خداوند پاداش بزرگی را نصیب او می‌نماید.»

روش و اسلوب مخالفت با گناه و منکر دارای سه مرتبه و مرحله است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم آنها را این‌گونه بیان می‌فرماید:

«هرکدام از شما که خلافتی را دید عملاً از آن جلوگیری کند، اگر نتوانست با زبان با آن مخالفت نماید و اگر این را هم نتوانست قلباً از آن ناخشنود باشد و این پایین‌ترین درجه ایمان است.» (مسلم و ترمذی و ابن ماجه و نسایی) دیدگاه و موضع‌گیری دعوتگران و مبلغان معتدل و میانه‌رو همراه با جماعت‌ها و حکومت‌ها در این مورد بسیار روشن است. از عباد بن صامت رضی الله عنه روایت شده است که: «با رسول خدا صلی الله علیه وسلم بر مبنای التزام و فرمانبرداری در شرایط سخت و عادی از آن خشنود باشیم یا ناخشنود، بیعت نمودیم که سنت او را بر هر خواسته و روشی ترجیح بدهیم و با اولیای امور به جنگ و نزاع نپردازیم. مگر آن‌که آشکارا کفر و انحرافی را که در پیشگاه خداوند بتوانیم به آن استدلال نماییم در پیش گیرند و در هر شرایطی طرفدار حق و حقیقت باشیم، و از سرزنش سرزنش‌گران هراسی را به دل راه ندهیم.» (بخاری و مسلم)

۵- دعوت به همکاری

اسلام همه تلاش خود را برای ایجاد جامعه‌ای سالم و آرمانی براساس وحدت و همبستگی میان همه انسان‌ها و احترام به نهاد خانواده و تعاون میان ملت‌ها در جهت خیر، مصلحت و پیشرفت جهانی، ایجاد روابط سالم، احترام

متقابل، صلح، تبادل منافع و تحقیق مصالح مشترک براساس حق، عدالت، آزادی و مساوات به کار می‌گیرد. نهاد و نظام خانواده سنگ‌بنای همه جامعه‌هاست و از ترکیب خانواده‌هاست که ملت‌ها و جامعه‌ها تشکیل می‌شوند و در واقع خانواده‌ها سرچشمه خیر، برکت الهام و عامل اساسی سازندگی و پرتوافشانی و توجیه جامعه در راستای خیر و منافع آن است.

در مورد وحدت انسانی میان همه بشریت و به مثابه یک خانواده بودن، آن قرآن می‌فرماید: ﴿يَتَّيِبُهَا لِلنَّاسِ أَتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (النساء / ۱)

«ای مردم! از خشم پروردگار خویش پرهیز کنید! پروردگاری که شما را از یک انسان آفرید و سپس همسرش را از نوع او به وجود آورد و از آن دو مردان و زنان فراوانی را بر روی زمین منتشر ساخت و از خشم خداوند پرهیز نمایید. خداوندی که به نام او از همدیگر درخواست می‌کنید و بپرهیزید از این‌که پیوند خویشاوندی را قطع نمایید؛ زیرا خداوند بی‌گمان مراقبت شماست.»

پیوند خویشاوندی است که سبب استواری خانواده‌ها گردیده و سنگ‌بنای خانواده بزرگتر یعنی جامعه را بر زمین می‌نهد و زمینه را برای تفاهم، ارتباط و تعاون میان ملت‌ها و تمدن‌ها فراهم می‌نماید. هم‌چنان که قرآن

می‌فرماید: ﴿يَتَّيِبُهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَاهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (الحجرات / ۱۳)

«ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریده‌ایم و شما را به صورت ملت‌ها و عشیره‌ها درآورده‌ایم، تا یکدیگر را بشناسید (و با هم همکاری کنید).»

اسباب و عوامل تعاون و همبستگی به اصطلاح امروزی از طریق گفتگوی تمدن‌ها برای ایجاد اطمینان و آرامش خاطر متقابل انجام‌پذیر است. تا تمدن‌ها و فرهنگ‌ها همدیگر را از نظر مادی، معنوی، اخلاقی و دینی درک نمایند. ممکن است برخی از تمدن‌ها که براساس «مادیت» صرف استوار است و توجهی به بخش معنوی و اخلاق ندارند به خود بیایند و از سقوط و فروپاشی خود پیشگیری نمایند. زیرا تمدن غرب که وارث تمدن‌های روم و یونان است، از چنان ویژگی برخوردار است؛ زیرا حضرت عیسی فرموده است: «انسان تنها به وسیله نان زندگی نمی‌کند». یعنی اضافه بر زندگی مادی انسان‌ها به ایمان، اخلاق، معنویت و باور به دنیای پس از مرگ نیاز دارند.

۶- دعوت به صلح و جهاد

لازم است خانواده‌های مسلمان بر این اساس تربیت و توجیه شوند که در ارتباط با غیرمسلمانانی که اهل صلح و دوستی‌اند، مسلمانان نیز با آغوش باز از در صلح و

دوستی با آنان درخواهند آمد. و با آنهایی که با مسلمانان سر جنگ و دعوا دارند، مسلمانان نیز به جنگ و مقابله با آنها خواهند پرداخت و اساس روابط ملت‌های دیگر اساساً بر مبنای دوستی، محبت، روابط مسالمت‌آمیز، اطمینان متقابل و حسن نیت دوطرفه استوار خواهد بود؛ زیرا خداوند متعال فرموده‌اند: ﴿وَإِنْ جَحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْزَحْهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ (الانفال / ۶۱)

«اگر آنها به صلح و آشتی تمایل داشتند، تو نیز راه آشتی و صلح را در پیش گیر و بر خداوند توکل کن.»

اما اگر دشمنان - هم‌چنان که امروزه در فلسطین و کشمیر شاهد آن هستیم - به سرزمین، حرمت و کرامت مسلمانان تجاوز نمودند، جهاد به معنای آن - یعنی جهاد با کلام و کتاب و مال و جان - بر همه مسلمانان به اندازه کافی و در حد نیاز واجب است و لازم است مسلمانان به ویژه نسل جوان در خانواده‌ها و مدارس به گونه‌ای تربیت شوند که توانایی جسمی، مادی و نظامی کافی را برای مقابله با دشمنان و خنثی نمودن توطئه‌های آنان و پایان دادن به همه انواع تجاوزات برای پاسداری از هویت امت اسلامی، عزت، سربلندی مسلمانان و آزادی سرزمین‌های غصب شده، آمادگی لازم و کافی را داشته باشند.

دشمنان درست از زمانی بیش از پیش به طمع تسلط بر سرزمین‌های مسلمانان و تسلط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی افتادند که ما اصل جهاد را کنار نهادیم. حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید: «سوگند به خداوند هر ملتی که در سرزمین خود مورد تهاجم قرار گیرد، خوار و ذلیل

خواهند گردید». و این هشدار به صورتی شدیدتر مورد تأکید قرآن قرار گرفته و می‌گوید: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٤﴾ (التوبة / ۲۴)

«ای پیامبر! به آنان بگو: اگر پدران، فرزندان و برادران (و همسران و قوم و قبیله شما و اموالی را که به دست آورده‌اید و بازرگانی و تجارتی را که از کسادی آن هراسی در دل دارید و خانه‌هایی که مورد علاقه شماست این‌ها در نظرتان از خداوند، پیامبر و جهاد در راه او محبوب‌تر باشد، در انتظار باشید که خداوند کار خود را انجام بدهد و (عذاب خویش را فرو فرستد) و به راستی خداوند افراد نافرمان‌بردار را (به راه سعادت) هدایت نمی‌نماید». اسلام اصل مهم و حیاتی جهاد را تنها در جهت رویارویی با حملات و تهاجم دشمنان مقرر فرموده است؛ زیرا خداوند متعال فرموده است:

«أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِإِنِّهِمْ ظَلِمُوا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿٦٠﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ ۗ» (الحج / ۳۹-۴۰)

«اجازه (دفاع از خود) به کسانی داده می‌شود که به آنها جنگ (تحمیل) شده و به آنها ستم شده است و خداوند تواناست که آنان را پیروز گردانید * همان کسانی که به

ناحق از خانه و کاشانه خویش رانده شده‌اند و تنها گناهشان این بوده که می‌گفته‌اند: خداوند پروردگار ماست».

تمامی بیست و هفت جنگی که در عصر رسول خدا صلی الله علیه وسلم مسلمانان علیه دشمنان خود به آنان دست زدند، در واقع به خاطر دفاع و رویارویی با آنها صورت گرفته و هیچ‌یک از آنها جنگ تهاجمی نبوده و مسلمانان آغازگر آن نبوده‌اند. اصل جهاد اصلی مهم و ماندگار است - و هرچند برخی از فقها آنرا جنگ تهاجمی می‌دانند - اما در واقع جنگ دفاعی است؛ هم‌چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾ (البقره / ۱۹۰)

«در راه خدا با کسانی که با شما وارد جنگ شده‌اند، بجنگید و شما (هیچ‌گاه به دیگران) تعدی و تجاوز ننمایید؛ زیرا خداوند به راستی تجاوزگران را دوست نمی‌دارد».

از نظر علمای محقق مسلمانان در ارتباط با روابط با دیگران اصل بر صلح است نه جنگ و لازم به یادآوری است که اعتداء و تجاوزگری دارای صورت‌های مختلفی است گاهی ممکن است در شرایطی مسلمانان در بخشی و جبهه‌ای که دشمنان جنگ را قبلاً آغاز کرده‌اند، آغازگر حمله و تهاجمی تاکتیکی باشند و مصلحت جنگ چنان چیزی را اقتضاء نماید، در واقع خود آن هم نوعی دفاع در قالب هجوم و برای رویارویی با حملات سنگین‌تر دشمن به شمار می‌آید. اما باید در علل و اسباب بروز جنگ‌ها

تحقیق بشود که زمینه‌ساز و آغازگر آنها چه طرفی بوده است.

خلاصه سخن ما در این رابطه این است که باید روح جهاد، آمادگی، تمرین جنگی و آمادگی دفاعی از طرف افراد، خانواده‌ها، حکومت‌ها و گروه‌ها مورد توجه جدی قرار داشته باشد؛ زیرا بسیاری از دشمنان قسم خورده مسلمانان در هر شرایطی آمادگی نظامی و جنگی خود را برای جنگ با ما حفظ می‌کنند. هرچند با ما دارای معاهدات و پیمان‌نامه‌های صلح باشند و نباید فراموش نماییم که جهاد اوج گرویدن به اسلام است و رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«هرکس را مرگ فرا برسد و به جهاد نرود و یا در اندیشه جهاد نباشد، همراه با گوشه‌ای از نفاق مرده است».) (خرجه احمد).

انسان مسلمان لازم است عظمت و افتخار شهادت در راه خداوند و سعادت ابدی را به خوبی درک نماید و آن را دست‌کم نگیرد و شهدا بنیان‌گذاران سربلندی و افتخار در این دنیا و دستیابی به سعادت و رضایت خداوندی در دنیای پس از مرگ هستند؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَرْبَ لَهِمُ الْجَنَّةِ ۗ» (التوبة / ۱۱۱)

«به راستی خداوند جان‌ها و اموال اهل ایمان را در مقابل بهشت از آنها خریداری می‌نماید».

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.